

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۴، ویژه علوم سیاسی

شاخص‌های انسجام در تفکر سیاسی اسلام

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۷ تاریخ تأیید: ۹۵/۴/۳۰

حسین کربلایی اصل*

چکیده

انسجام به معنای یکپارچگی ملت، عامل استحکام جامعه است و مخاطبان آن نیز توده‌های ملت، مسئولین نظام و دستگاه‌های دولتی می‌باشند. با تعمق در اندیشه سیاسی اسلامی می‌توان به نظریات بنیادین و اصول اساسی اسلام در حوزه اجتماع و سیاست دست یافت که اگر این نظریات در یک جامعه به ویژه جامعه، چند فرهنگی مورد توجه قرار گیرد، انسجام و توافقات سیاسی میان گروه‌های قومی و فرهنگی موجود در یک جامعه میسر خواهد شد. برای برقراری انسجام سیاسی در جوامع اسلامی به ویژه جوامعی که با تنوع فرهنگی مواجه هستند، استخراج شاخص‌های انسجام از منابع اسلامی ضروری می‌باشد. این تحقیق که با روشی توصیفی^۱ تاریخی صورت می‌گیرد، ضمن بررسی منابع دینی مانند قرآن و حدیث و همچنین گفتار اندیشمندان مسلمان، شاخص‌های انسجام در تفکر سیاسی اسلام را بررسی و استخراج می‌نماید. اهمیت شناخت این شاخص‌ها در طراحی الگویی اسلامی از انسجام در جوامع اسلامی به ویژه جوامع دارای تنوع فرهنگی مشخص می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: شاخص، انسجام سیاسی، اسلام، قرآن، حدیث.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اسلام بعنوان آخرین دین الهی، به نیازهای انسان توجه داشته است. از آنجا که تأمین بسیاری از این نیازها مستلزم ارتباط با دیگران است؛ لذا اسلام باید برای ایجاد نوع و نحوه ارتباط با دیگران، آموزه‌هایی را تبیین نماید؛ چراکه زیست مطلوب اجتماعی، مستلزم بایسته‌هایی است که در مجموع، جامعه آرمانی را به وجود می‌آورد؛ جامعه‌ای که یکی از مهمترین ویژگیهای آن انسجام و همبستگی است.

در این میان و برای ارائه الگویی از انسجام، استخراج شاخص‌های انسجام در تفکر سیاسی اسلام ضروری است. این شاخص‌ها با نگاه به آموزه‌های اسلامی شناسایی شده و پس از تبیین در طراحی الگوی اسلامی انسجام مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمام شاخص انسجام سیاسی، دارای اهمیت می‌باشند ولی برخی از آنها به موضوع انسجام نزدیک تر می‌باشند که آن‌ها را ذیل عنوان شاخص‌های خاص یا قریب و موارد دیگر را تحت عنوان شاخص‌های عام یا بعید بررسی می‌نماییم. لازم به ذکر است هر چند در نوشتار حاضر جهت بررسی موضوعات از قرآن و سنت استفاده می‌گردد ولی به علت بدیع بودن برخی موضوعات، از آراء اندیشمندان مسلمان نیز بهره خواهیم گرفت.

مفهوم شناسی

تعاریف گوناگونی از شاخص ارائه شده است. یکی از تعاریف معمول، شاخص را ابزاری می‌داند که با آن می‌توان کمیت، کیفیت، تغییرات یا ثبات یک موضوع را تشخیص و اندازه‌گیری کرد. آلن بیرو در تعریف شاخص می‌گوید:

دارای شاخص کردن، وابسته ساختن پدیده حائز ارزش اقتصادی به ارزش عنصری مرجع است. بدینسان دارای شاخص کردن، ساختن و پیوستن پدیده حائز ارزش است به

ارزش شاخصی خاص که به عنوان متغیر اصلی تلقی می‌شود. ارزش پدیده شاخص یافته در فواصل زمانی بر حسب ارزش شاخص مرجع مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. (ساروخانی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۱)

۱. شاخص‌های عام (بعید)

۱-۱- همگرایی بین مذاهب: نمادهای دینی مشترک (قرآن، قبله، پیامبر و ...)

وجود اختلاف هرگز مانع ایجاد وحدت، همدلی و مهربانی بین مذاهب مختلف نخواهد شد بلکه برای مقابله با دشمنان اسلام و قرآن و با تکیه بر مشترکات عقیدتی این همگرایی ممکن می‌گردد. مسلمانان زمینه وحدت بسیاری دارند مثلاً همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و داد و ستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در اموری جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند.

قرآن کریم به صراحت مسلمانان را برادر یکدیگر دانسته و دعوت به اتحاد می‌نماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

جز این نیست که مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادرانتان را اصلاح کنید و از خدا بترسید، امید که مورد رحمت قرار گیرید. (حجرات، (۴۹)، (۱۰))

متفکران مسلمان با آگاهی از تأثیر مشترکات عقیدتی در ایجاد وحدت بین مسلمین بر لزوم همگرایی مسلمین تأکید نموده اند. شهید مطهری در بیان مقصود از وحدت می‌گوید:

بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب در یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها که نه معقول و نه منطقی

است و نه مطلوب و عملی، نیست؛ منظور دانشمندان، متشکل شدن مسلمانان است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان. (مرتضی مطهری، ۱۳۶۸، ص ۷-۱)

لزوم وحدت بین مذاهب اسلامی مورد تاکید اهل بیت علیهم السلام نیز بوده و ایشان همواره بر مواردی چون حضور در نماز جماعت اهل سنت، عیادت از مرضای ایشان، شرکت در تشییع جنازه مردگان ایشان، و ... تاکید نموده اند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

عَنْ هِشَامِ الْكِنْدِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا نُعِيرُ بِهِ فَإِنَّ وَكَلَدَ السَّوَاءِ يُعِيرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْ إِلَيْهِ زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَعَوِّدُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَانْتُمْ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْهُمْ وَاللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبَاءِ قُلْتُ وَمَا الْخَبَاءُ قَالَ التَّيِّبَةُ

هشام کندی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: بهره‌یزید از کاری که با آن کار ما سرزنش می‌شویم. همانا فرزند بد با کار بدش، پدر خویش را در معرض سرزنش قرار می‌دهد. برای کسی که از شما بریده زینت و مایه افتخار باشید، نه ننگ و مایه سرزنش. با آن‌ها در میان قبیله‌هایشان نماز بگذارید، مریضان آن‌ها را عیادت کنید و در تشییع جنازه مردگانشان حضور یابید. آنان نباید در کارهای نیک بر شما پیشی بگیرند؛ زیرا شما به کارهای نیک سزاوارترید. سوگند به خدا، پروردگار به چیزی بهتر از «خبأ» پرستیده نشد. پرسیدند: «خبأ» چیست؟ فرمود: «تقیه». (حرر عاملی، بی تا، ج ۱۶، ص ۲۱۹)

۲-۱- اتحاد در مقابل دشمن

برای فهم دقیق اهمیت موضوع اتحاد در مقابل دشمنان، شناخت مفهوم وحدت ضروری است. واژه وحدت، معنای تنها بودن و تنهایی را می‌رساند. (وجدی، ۱۹۷۱، ج ۱۰، بیروت، ص ۶۴)؛ از سوی دیگر قرآن از واژه «امت» استفاده کرده و بر اتحاد مسلمانان تاکید می‌نماید. واژه «امت»، که حداقل دو بار در قرآن کریم در سوره‌های انبیاء و مومنون

ذکر شده، به معنای «جماعتی است که مقصد و هدف واحد آنها را جمع کرده باشد» (طباطبایی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۵؛ الطبرسی، بی تا، ج ۸-۷، ص ۹۹)

یکی از مظاهر اتحاد در برابر دشمن، کاهش اختلافات است. اختلاف به این معناست که یکی برخلاف جهت دیگری برود، سپس این معنا از باب مشابهت، در اختلاف مذاهب به کار رفته است، یعنی هر مذهب خلاف جهت دیگری را بر می‌گزیند. (الطبرسی، بی تا، ج ۱-۲، ص ۴۷۱). در دین اسلام نیز مانند هر آیینی زمینه اختلاف نظر وجود دارد ولی توجه به اهداف کلان قرآن و اشتراکات فراوان میان مسلمین می‌تواند مسائل اختلافی را قابل اغماض نماید.

قرآن کریم نیز به این نکته اشاره و اختلاف اصحاب حضرت عیسی را در مورد وی بیان می‌نماید:

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ
آن گاه احزاب از میان آنان [درباره عیسی] اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از حضور در روزی بزرگ! (زخرف (۴۳)، ۶۵)

بهترین و منحصرترین راه برای تقریب میان مذاهب و وحدت میان مسلمانان عمل به توصیه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام که ضامن هدایت و رهایی از هر گونه ضلالت و گمراهی است می‌باشد. همانگونه که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُم مَّا إِن تَمَسَّكُم بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابُ
اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا
عَلَى الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا

من دو چیز گرانبها در میان شما به یادگار می‌گذارم، اگر به آن چنگ زدید هیچگاه گمراه نخواهید شد، یکی از این دو بزرگتر و مهمتر از دیگری است، کتاب خدا «قرآن» این ریسمان الهی که از آسمان تا زمین کشیده شده است، و عترت و خاندان من، این

دو از هم دیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند، پس بیندیشید که چگونه حق مرا در باره این دو اداء می‌کنید. (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۲)

۲. شاخص‌های خاص (قرب)

۱-۲- ارزش‌های مشترک

هر چند انسان‌ها دارای اختلاف قومی، نژادی و عقیدتی هستند ولی آنچه آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، ارزش‌هایی است که آن‌ها را پذیرفته‌اند. وقتی انسان معتقد شد که سایر انسانها، مانند خود او، آفریده خدا و همه بنده او هستند و خداوند متعال به تمام مخلوقات و بندگانش نظر لطف و رحمت دارد و اصلاً آن‌ها را بر اساس رحمت خویش آفریده است، دیگر اختلافات ظاهری کم رنگ می‌شوند.

راه اصولی برای رسیدن یک جامعه به وحدت درونی این است که بر مهم‌ترین عناصر مشترک تکیه کنند. از نظر قرآن هیچ عنصری مهم‌تر از عنصر دینی نیست. از این رو این کتاب آسمانی اولین راهکار وحدت را تکیه بر عناصر مشترک دینی می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا.

بگو ای اهل کتاب به سوی کلمه‌ای که مشترک بین ما و شما است بیایید و آن این است که جز خدای یگانه را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهیم. (آل عمران، ۳، ۶۴)

هر قدر انسان‌ها به ارزش‌های مشترک بیشتر توجه داشته و به مقتضای آن بیشتر عمل کنند وحدت بین آنها بیشتر تقویت خواهد شد.

۱-۱-۲- اعتقاد به حاکمیت ضوابط

قانون و قانونمندی از زمان‌های دور و روزهای آغازین زندگی مورد توجه انسان بوده است. با رشد خرد و اندیشه ورزی این عقیده نیز پررنگ تر گردید. نیاز به قانون و اطاعت از آن در طول حیات بشر با مبعوث شدن پیامبران و ارائه قوانین الهی از سوی ایشان به مردم تقویت شد.

در تعریف قانون می‌توان گفت که قانون مجموعه‌ای از قواعد است که اگر افراد جامعه خود را با آن تطبیق دهند، علی‌رغم وجود انبوه انسانها با گرایشها و سلیقه‌های متفاوت و گاه متضاد، هر کس در محدوده حقوق خویش عمل می‌کند و اصطکاک و رویارویی مستقیم، به وجود نمی‌آید. (حق پناه، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵)

کارکرد اصلی قانون، تنظیم رفتارهای اعضای یک جامعه است، که به طور طبیعی دچار تعارضند. با پیچیدگی جوامع، حساسیت و اهمیت وجود قانون بیشتر نمایان می‌شود. قرآن کریم نیز ضمن اشاره به اهمیت التزام به قانون یکی از علل بعثت انبیاء را رفع اختلاف و ایجاد نظم بیان می‌نماید:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا.

مردم یک امت واحد بودند - در حال سادگی بدون اختلافات زندگی می‌کردند پس از آن اختلافات پیدا شد - پس خدا پیامبران را در حالی که نوید دهنده و ترساننده بودند، برانگیخت و با ایشان به حق کتاب - شریعت - نازل کرد تا در اختلافات مردم حکم کنند. (بقره (۲)، ۲۱۳)

در جامعه اسلامی مؤمن، داوطلبانه، با کمال خلوص و جدیت، درصدد است احکام و دستورات خدا را بشناسد و به آنها عمل کند تا با اتحاد آحاد مردم، زمینه هدایت و پیشرفت فراهم گردد.

۲-۱-۲- نفی خودباختگی در برابر بیگانگان

استعمارگران غربی سعی کردند تا سلطه خود را در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی نظامی بر همه کشورها به ویژه کشورهای اسلامی گسترش دهند. در بررسی عوامل ضعف اختلاف مسلمانان دو برداشت وجود دارد: یک عده معتقدند عوامل خارجی و استعمار تأثیر چندانی نداشته و عوامل داخلی موثر هستند. در مقابل برخی عقب ماندگی و اختلاف در جوامع اسلامی را به استعمار و عوامل خارجی نسبت می دهند. با نگاه واقع بینانه متوجه می شویم که خودباختگی و عدم اعتماد به نفس مسلمانان موجب عقب ماندگی و اختلاف بین آنها شده و زمینه انحطاط را فراهم می آورد.

اعتماد به نفس، رمز رشد و تعالی جوامع بشری است. از این رو، رشد و توسعه غرب به دلیل برتری نژادی آنها نیست، بلکه آنان با تقویت حس اعتماد به نفس خویش، فقط زودتر از ما کار را آغاز کرده اند. (ارجینی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹)

۳-۱-۲- نفی تحجر فکری

تعصب و تحجر به معنای ایستایی، تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزش های حق و متعالی است که هم در ساحت بینش و دانش (تحجر) و هم در حوزه گرایش و رفتار (جمود) بروز و ظهور دارد و عقل و دل و ابزارهای معرفت یاب و منابع شناخت را نیز شامل می گردد. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۹، ص ۱۱۰) بدون شک علاقه انسان ها به سرزمین و قوم و نژادشان نه تنها عیب نیست بلکه عامل سازنده ای برای همکاری های اجتماعی است. ولی اگر این امر از حدش بگذرد به صورت مخرب و گاه فاجعه آفرین در خواهد آمد و منظور از تحجر که مورد نکوهش قرار می گیرد همین است. دفاع افراطی از قوم، قبیله و نژاد، سرچشمه بسیاری از جنگها در طول تاریخ بوده است. این دفاع و طرفداری افراطی گاه به جایی می رسد که بدترین افراد قبیله در نظر او زیبا و بهترین افراد قبیله دیگر در نظر او زشت می گردد.

قرآن کریم در نفی تحجر فکری به ادعاهای بی‌دلیل جمعی از یهود و نصاری اشاره می‌نماید:

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ.

و یهود گفتند: نصارا بر چیز [حقی] نیستند، و نصارا گفتند: یهود بر چیز [حقی] نیستند، با آن که همه آنها کتاب آسمانی را می‌خوانند. همچنین نادان‌ها نیز مانند سخن آنها گفتند [که مسلمین بر حق نیستند]. پس خدا روز قیامت میان آنها در باره‌ی اختلافشان داوری خواهد کرد. (بقره(۲)، ۱۱۳)

اشاره به وجود کتاب الهی در بین ایشان به این معنی است که یهود و نصارا با در دست داشتن کتاب الهی می‌توانستند اختلافات را حل نمایند ولی به تحجر روی آورده و یکدیگر را نفی نمودند.

نفی جمود فکری بعنوان شاخص انسجام مورد تذکر ائمه اطهار علیهم السلام نیز واقع گردیده است. در روایات اسلامی ابلیس نخستین کسی بود که تعصب به خرج داد. حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه در این زمینه می‌فرماید:

اما ابلیس فتعصب علی آدم لاصله و طعن علیه فی خلقته، فقال انا ناری و انت طینی ابلیس در برابر آدم به خاطر اصل و اساس خویش تعصب ورزید و آدم را مورد طعن قرار داد و گفت: «من از آتشم تو از خاک» (نهج البلاغه، خطبه قاصعه)

اگر جامعه‌ای از مجموع افراد و گروه‌های دارای تحجر فکری که یکدیگر را قبول ندارند تشکیل شده باشد، هیچگاه اتحاد و انسجام در بین آنها برقرار نخواهد شد.

۴-۱-۲- دلبستگی به نمادهای ملی مشترک (سرزمین، سنت‌های ملی، استقلال کشور، تاریخ کشور، پرچم)

اشغال یک قلمرو جغرافیایی مشترک و احساس دلبستگی و وابستگی به سرزمین معین از جمله ویژگی‌های هر ملت است. همچنین نیروی حیاتی پیوند دهنده ملت از احساس تعلق قوی به سرزمین، تاریخ کشور، سنت‌های ملی و پرچم کشور بر می‌خیزد. وجود دلبستگی تاریخی، فرهنگی-عقیدتی و مذهبی بین گروه‌های مختلف ساکن یک سرزمین عوامل اصلی ایجاد انسجام محسوب می‌شوند.

از سویی هویت ملی نیز به حس دلبستگی به نمادهای مشترک اشاره دارد. هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. مهمترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند، عبارتند: از سرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت. (زاهد، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱) در درون یک اجتماع ملی میزان تعلق و وفاداری اعضاء به هر یک از عناصر و نمادهای مذکور، شدت احساس هویت ملی آنها را مشخص می‌سازد.

اندیشمندان مسلمان نیز بر اهمیت دلبستگی به نمادهای ملی و نقش آن در هویت ملی تاکید نموده‌اند. استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می‌نویسد:

«اگر هویت ملی را نوعی احساس ملی بنامیم تعریف آن عبارت خواهد بود از وجود احساس مشترک یا وجدان دسته جمعی در میان عده‌ای از انسان‌ها که یک واحد سیاسی یا ملت را می‌سازند.» (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۲۲)

۵-۱-۲- روحیه تعاون

اسلام جامعه را بر اساس روحیه تعاون و همکاری پایه گذاری کرده است هر عضوی از جامعه با دیگری در ارتباط است و در زندگی به همنوع خود کمک و یاری می‌رساند و همگی با یکدیگر برادرند. وقتی که جامعه با روحیه برادری حرکت می‌کند حرکت جامعه رو به تکامل است. اسلام نیز بر اساس اصل تعاون و با استفاده از ارزشهایی که از راه ایجاد روحیه همکاری، اخوت، بخشش و ایثار در جامعه فراهم کرده است مسئولیتهای سنگینی را بر دوش شهروندان مسلمان قرار داده است.

نهضت تعاون در اسلام، صورتی شدید و انقلابی دارد. به گونه ای که می توان گفت اسلام تنها بر پایه ی همکاری‌های متقابل شکل گرفته است. برقراری روحیه تعاون در جامعه در ایجاد انسجام سیاسی نقش بسزایی دارد. تعاون بعنوان یکی از اصول اخلاقی مهم در قرآن با صیغه امر بکار رفته است:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است. (مائده(۵)، ۲)

روحیه تعاون و همکاری در روایات اسلامی نیز مورد تاکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ.

مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و در نیکی و پرهیزگاری یکدیگر را یاری می‌رسانند. (طوسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۸۱)

۶-۱-۲- روحیه تحمل و مدارا

مدارا در لغت به معنی ملاطفت و نرمی و پنهان کردن کینه و عداوت در مقابل رقیب است. (زبیدی، بی تا، ص ۱۲۴ و ۳۰۹) مدارا در عرف عبارت است از اینکه در مقابل بدی‌ها و ناملایمات دیگران از خود ملایمت و ملاطفت و گذشت نشان دهیم. هر چند مدارا در حوزه‌های مختلف سیاسی، اخلاقی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد بحث قرار گرفته، اما مدارایی مورد نظر ما به معنای تحمل عقاید رقیب در عین باورمندی و پای بندی به اصول خود و به مهربانی رفتار کردن است.

اسلام انسجام را مشروط به هدایت جامعه به سوی مدارا می‌داند و مسلمانان را به صمیمی بودن، مدارا و نرم خویی و چشم‌پوشی از رفتار دیگران توصیه نموده است:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.
و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به فروتنی راه می‌روند، و چون جاهلان [به ناروا] خطابشان کنند، [به مدارا] سلام گویند [و در گذرند]. (فرقان (۲۵)، ۶۳)

روحیه تحمل و مدارا آثار مثبت بیشماری برای جامعه دارد. یکی از آثار مدارا، رفع کدورت و اختلاف و تقویت انسجام و وحدت ملی است، زیرا ریشه‌ی بسیاری از کشمکش‌ها و درگیری‌ها را می‌توان در حساسیت‌های نابجا و عدم وجود روحیه‌ی رفق و مدارا در جامعه، جست. میزان مدارای افراد در برابر خطاهای دیگران و روحیه‌ی همکاری، نقش موثری در بقای جامعه دارد.

۷-۱-۲- احترام به حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مفهومی نوپدید است که به برابری و عدالت توجه دارد. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند.

منظور از حقوق در این عبارت مجموعه قوانین و مقرراتی است که حقوق و امتیازات فطری انسان‌ها از قبیل حفظ کرامت و ارزش والای انسان و احترام به آزادی‌های مشروع را عینیت می‌بخشد. «حقوق شهروندی» مجموعه حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند: حقوق اساسی، حق استخدام شدن، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داوری و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور از حقوق سیاسی است. پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یثرب بازمی‌گردد و اولین بارقه‌های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان پدیدار گشت. (احمدزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴)

اسلام یک رویکرد الهی، انسانی، معنوی و اخلاقی به انسان داشته و او را بعنوان اشرف مخلوقات قلمداد می‌نماید. در آموزه‌های اسلامی قومیت و تنوعات اجتماعی، فرهنگی و حتی نژادی در مرتبه‌ای نازل تر قرار دارد، بطوری که تنوع در قوم و زبان و نژاد و قبیله از حکمت‌های خداوند متعال محسوب می‌گردد:

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ.

و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست. قطعا در این [امور] برای دانشوران نشانه‌هاست. (روم (۳۰)، ۲۲)

این موارد نشان می‌دهد که اسلام اندیشه تاسیس جامعه سیاسی متنوع را در یک دولت و نظام واحد براساس دین اسلام پذیرفته است که همه مردم از حق کامل شهروندی برخوردار گردند و در ایجاد دولت شرکت جویند. شرط نکرده است که برای تاسیس دولت اسلامی باید همه جامعه به طور کامل و خالص اسلامی باشند. (شمس الدین، بی تا، ص ۲۹۰)

۲-۲- خرده فرهنگ‌ها

۱-۲-۲- احترام و به رسمین شناختن تمایزهای فرهنگی، زبانی، قومی و مذهبی

تنوع و تکثر دینی، مذهبی و قومی و وجود خرده فرهنگ‌های متفاوت از ویژگی‌های جوامع چند فرهنگی مانند جامعه ایران به شمار می‌رود. وجود این تنوعات و تفاوت اجتماعی، ضرورت مدیریت سیاسی خردمندان و منطقی را بیش از پیش ایجاب می‌کند. اسلام یک رویکرد معنوی و اخلاقی به قومیت و تنوعات اجتماعی و فرهنگی و نژادی دارد. ویژگی‌ها و خصوصیات مهم قومی در قرآن و سنت را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

(۱) تمایزات فرهنگی، زبانی، قومی نشانه و حکمت خداوند بوده و موجب شناسایی

متقابل است:

وَمِنْ آيَاتِهِ خُلِقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتَلَفَ الْأَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّغَاتِكُمْ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ.

و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماسست. قطعاً در این [امور] برای دانشوران نشانه‌هاست. (روم (۳۰)، ۲۲)

(۲) مردم از یک گروه و امت واحد و یکپارچه بودند و سپس اختلاف پیدا کردند و به

دلیل سرکشی و لجابت از هم جدا شدند:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

مردم یک امت بودند، پس خدا پیامبران بشارت دهنده و ترساننده را، بفرستاد، و بر آنها کتاب بر حق نازل کرد تا آن کتاب در آنچه مردم اختلاف دارند میانشان حکم کند، ولی جز کسانی که کتاب بر آنها نازل شده و حجت‌ها آشکار گشته بود از روی حسدی که

نسبت به هم می‌ورزیدند در آن اختلاف نکردند و خدا مؤمنان را به اراده خود در آن حقیقتی که اختلاف می‌کردند راه نمود، که خدا هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (بقره (۲)، ۲۱۳)

۳) تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی، زبانی و قومی امتیاز محسوب نشده و معیار برتری تقوا و پارسایی است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^۱

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید [و اینها ملاک امتیاز نیست]، قطعاً ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است. (حجرات (۴۹)، ۱۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ» وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ.

ای مردم همانا خدای شما یکی و پدر شما یکی است، همه شما از آدم، و آدم از خاک است، همانا گرامیترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، و عرب را بر عجم فضیلتی نیست جز به تقوا. (بحرانی، ۱۳۸۴ق، ص ۳۴)

۴) قرآن کریم ضمن به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگی، زبانی و قومی، صاحبان ادیان مختلف را به همگرایی و اتحاد پیرامون عبادت خداوند دعوت می‌نماید:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.

بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما مشترک است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و کسی را با او شریک نکنیم و هیچ کس از ما دیگری را به جای

خداوند صاحب اختیار نگیرد. پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید: شاهد باشید که ما سر به فرمان خدا نهاده ایم. (آل عمران (۳)، ۶۴)

۵) اسلام تفاوت‌های قومی، فرهنگی و مذهبی را دلیل اختلاف ندانسته و همگان را به وحدت دعوت می‌نماید. حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر اینگونه توصیه می‌نماید:

و اشعر قلبک الرّحمة للرّعیة، و المحبة لهم، و اللّطف بهم، و لا تكوننّ علیهم سبعاً ضارياً تغتتم اکلهم، فانهم صنفان: اما اخٌ لك فی الدین، او نظیرٌ لك فی الخلق.
مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۲-۲-۲- تعلق و وفاداری اقوام به هویت

هویت، در سرنوشت جامعه و نسل‌های آینده موثر می‌باشد. یکی از عوامل مهم دستیابی به همبستگی ملی، هویت ملی است که در صورت بی‌توجهی به آن، موجب تشدید اختلافات قومی می‌شود. هویت ملی یکی از انواع هویت است و در حوزه‌هایی مانند فرهنگ، اجتماع، سیاست، امنیت و حتی اقتصاد نقش مهمی دارد.
با وجود اختلافات قومی، فرهنگی و مذهبی التزام به هویت مشترک می‌تواند زمینه اتحاد را فراهم آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در اولین سال تأسیس جامعه اسلامی در مدینه، غیر مسلمان را نیز در زیر چتر هویت واحدی گردآورد و زمینه اتحاد میان اهالی مدینه را فراهم آورد.

در یکی از بندهای این صحیفه آمده است:

یهود بنی عوف با مؤمنان یک امت هستند، یهود بر دین خود و مسلمانان هم تابع دین خود باشند و در این حکم تفاوتی میان خودشان و بندگانشان نیست مگر آن که کسی

ستم یا گناهی کند که خود و خانواده اش را به هلاکت می‌اندازد. یهود بنی نجار نیز مانند بنی عوف چنین اند. (عبدالملک بن هشام، ۱۹۹۷م، ص ۱۲۳ - ۱۱۹)

نگاه اسلام به اختلافات قومی، فرهنگی و مذهبی بسته و رادیکال نبوده و امکان برقراری اتحاد تحت هویتی واحد را مطرح می‌نماید. علامه شمس‌الدین در این زمینه می‌گوید:

این موارد نشان می‌دهد که اسلام اندیشه تاسیس جامعه سیاسی متنوع را در یک دولت و نظام واحد براساس دین اسلام پذیرفته است که همه مردم از حق کامل شهروندی برخوردار گردند و در ایجاد دولت شرکت جویند. شرط نکرده است که برای تاسیس دولت اسلامی باید همه جامعه به طور کامل و خالص اسلامی باشند. (شمس‌الدین، بی تا، ص ۲۹۰)

۳-۲- روابط بین قومی

۱-۳-۲- نفی قوم‌مداری

هر انسانی در سرزمین و جغرافیای معین به دنیا می‌آید و در داخل آن زندگی می‌کند. به بیان ساده قوم، مجموعه از انسان‌هایی است که نژاد، زبان، تاریخ، آداب، رسوم، عواطف و احساسات مشترک، آنان را به هم پیوند می‌دهد. از فواید قومیت می‌توان به کارکردهای مثبت قوم در حفظ هویت گروهی یا خرده فرهنگ‌ها و سنت‌های پسندیده، تربیت و پرورش، حفاظت و صیانت افراد در برابر بحران‌های اجتماعی و پیوندهای عاطفی قوی مشترک که زمینه خیر رسانی را فراهم می‌کند، اشاره کرد.

در کنار کارکردهای مثبت قومیت، آثار منفی قوم‌مداری باید مورد توجه قرار گیرد. انسان به خاطر احساس پیوند روحی و فکری که با قوم و قبیله خود دارد، به صورت طبیعی خود را ملتزم و متعهد به راه و رسم آنان دانسته و منافع ملی رنگ می‌بازد. اسلام با

توجه به آثار منفی قوم‌مداری، به مبارزه با آن پرداخته است. پیامبراکرم صلی الله علیه و اله و سلم می‌فرماید:

من كان في قلبه مثقال حبة خردل من عصبية بعثه الله يوم القيامة من أعراب الجاهلية.

کسی که در دلش ذره ای عصبیت و قوم‌گرایی باشد، خداوند او را در روز قیامت جزء اعراب جاهلی محشور می‌کند. (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۸)

یکی دیگر از آفت‌های قوم‌مداری، ممانعت از شکل‌گیری هویت جدید دینی و ایجاد اتحاد است. رسوب هنجارهای قومی و عادت‌های قوم‌مانعی در برابر ارزش‌های دینی است. به دلیل همین تعصب و قوم‌مداری است که در میان اقوام مختلف مسلمان، اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی به صورت‌های مختلف ظهور می‌یابد.

اسلام برای قومیت اصالت و ارزش محوری قایل نشده و این تفکر جاهلی را به شدت تخطئه و قوم‌گرایی را معادل کفر و فسق معرفی نمود:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ.

بگو اگر پدران، فرزندان، برادران، همسران، قوم و عشیره‌تان و نیز اموالی که به دست آورده‌اید و داد و ستدی که از کساد شدنش می‌ترسید و خانه‌های که بدان دلخوش داشته‌اید، دوست داشتنی‌تر از خدا و پیامبرش و جهاد در راه خدا برای شماست، پس درنگ کنید تا فرمان الهی فرارسد و خداوند مردمان فاسق را هدایت نمی‌کند. (توبه، ۹)، (۲۴)

از مجموع مطالب ارائه شده استفاده می‌شود که اسلام مخالف قوم‌دوستی نیست بلکه مخالف قوم‌مداری است. امام سجاد علیه السلام در توضیح عصبیت و قوم‌گرایی می‌فرماید:

العصبية التي يَأْتُم صاحبها عليها أن يرى الرجل شرار قومه خيرا من خيار قوم آخرين وليس من العصبية أن يحب الرجل قومه ولكن العصبية أن يعين قومه على الظلم.

عصبیتی که گناه شمرده می‌شود این نیست که انسان قومش را دوست داشته باشد، بلکه آن است که انسان بدان قومش را بهتر از خوبان قوم دیگر ببیند و قومش را بر ظلم و ستم کمک کند. (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۷)

۲-۳-۲- روابط اقتصادی یا معیشتی

همبستگی ملی یکی از مهمترین عوامل حیات دولت‌های کنونی است که به واسطه آن هویت هر ملتی تکوین یافته و بقا و تداوم آن در طول زمان میسر می‌شود. بر همین اساس شناخت متغیرهای موثر بر آن بسیار حائز اهمیت است. وجود قومیت‌ها به عنوان قسمی از خرده فرهنگ‌ها یکی از متغیرهای مهم و موثر بر همبستگی ملی است که در بطن خود و در صورت بی توجهی به آن، خطر بالقوه‌ای برای این مهم نیز است.

آنچه این اقوام پراکنده و گاه متفاوت را به صورت ملّتی یکپارچه در می‌آورد و هویتی متفاوت از هویت قومی اقوام را تشکیل می‌دهد، پیوندهایی عمومی است که مولد نوعی همبستگی ملّی در بین آنهاست. یکی از این پیوندها، روابط اقتصادی یا معیشتی است.

۱. وجود قابلیت‌ها و زمینه‌های مناسب اقتصادی در هر یک از مناطق قومی، از فرصت‌های مناسب جذب امکانات، توان و نیروی انسانی و قومی است. استفاده از این امکانات ضمن آنکه به رشد و توسعه ملّی یاری می‌رساند، می‌تواند در افزایش وابستگی اقتصادی- اجتماعی بین منطقه‌ای و همبستگی ناشی از این عوامل مؤثر باشد. (صالحی

۳-۳-۲- اختلافات و منازعات بین قومی

قوم مداری، نوعی تلقی فرهنگی است که براساس آن اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند. به همین جهت در جوامع چندقومی، قوم مداری، یک مانع فرهنگی برای شکل‌گیری و گسترش روابط بین قومی است.

قوم مداری از یک سو سبب تضعیف روابط همزیستانه‌ی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر باعث تشدید روابط تعارضی در بین اقوام می‌گردد. همچنین قوم مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه روابط بین قومی می‌گردد. قوم مداری، روابط بین قومی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (روابط همزیستانه) را تضعیف و در مقابل روابط سیاسی (تعارضی) را تقویت می‌کند. بر این اساس متناسب با تشدید قوم مداری، خصوصیات رابطه‌ی اقوام در بعد همزیستی تضعیف و در بعد تعارض، تقویت می‌گردد.

قرآن به مسئله اتحاد از دیدگاه اجتماعی توجه و بر اهمیت آن میان مسلمانان و اقوام تاکید نموده است. در این آیات پدیده اتحاد به عنوان امتنان الهی دانسته شده و پیوند میان دل‌های مومنان را نوعی تصرف الهی برشمرده است. در نگرش قرآنی ایجاد و حفظ چنین یگانگی و هم‌دلیلی و هم‌رایی در میان مومنان، به علت ارسال پیامبران و عمل به شرایع دانسته شده و از امت خواسته شده تا با تمسک به دین و آموزه‌های قرآن و روش و سنت پیامبر اتحاد و انسجام خود را حفظ و تحکیم کنند:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتوه مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

مردم، امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد- پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد- به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (بقره (۲)، ۲۱۳)

۴-۳-۲- روابط فرهنگی

برای تبیین مفهوم ارتباطات میان فرهنگی ابتدا آن را تعریف می‌نماییم: ارتباط میان مردمانی که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهایشان به اندازه‌ای گوناگون است، که می‌تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال نماید، ارتباطات میان فرهنگی نامیده می‌شود. (همایون، ۱۳۸۴، ص ۲۸)

یکی از اشکال ارتباطات میان فرهنگی، ارتباط میان قومی است. معمولاً گروه‌های قومی، جوامع خود را در یک کشور یا فرهنگ شکل می‌دهند. این گروه‌ها دارای منشأ و میراث مشترکی هستند، که برای تحت تأثیر قرار دادن اسامی خانوادگی، زبان، مذهب، ارزش‌ها و مشابه این‌ها مناسبند. زمانی که فرهنگ قومی این اقوام که از یک نژاد هستند، اما اصالت‌های قومی مختلف دارند، به همدیگر منتقل شوند، ارتباط بین قومی شکل می‌گیرد.

در مجموع چنانچه روابط قومی را در رابطه با همبستگی ملی مد نظر قرار دهیم، آن را می‌توانیم شامل دو نوع رابطه بدانیم: رابطه دولت- قوم که رویکردی سیاسی است و رابطه قوم- قوم که رویکردی اجتماعی است.

رابطه دولت- قوم: رویکردها، شیوه‌ها و روش‌های حکومت‌ها در تنظیم تعاملات و مناسبات خود با اقوام و مدیریت آنها و سیاست‌ها و رویه‌هایی است که بر این تعاملات

حاکم است. روابط و مناسبات میان دولت- اقوام در نوع و چگونگی این رابطه گام مهمی در تحکیم یا تضعیف همبستگی ملی است. (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص ۱۴)

رابطه قوم- قوم: رابطه بین قومی، رابطه اجتماعی بین اعضای دو یا چند گروه قومی است. که روابط اعتقادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را در بر می گیرد. در صورتی که روابط بین قومی، افزایش یابد، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش پیدا می کند و مرزهای هویتی «درون گروه- برون گروه» ضعیف می گردد و راه ورود اجتماعات قومی به درون اجتماع ملی هموار خواهد شد. (داریوش قمری، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸)

۵-۳-۲- روابط اجتماعی

تکثر قومی و فرهنگی در جوامع چند فرهنگی از یک سو نشانه روحیه قوم مداری اقوام مختلفی است که در کنار یکدیگر زندگی می کنند و از این جهت منظره‌ای زیبا و انسانی را در برابر ما به نمایش می گذارند و از سویی دیگر مسایل را در برابر مردم و دولت‌ها قرار می دهد که نیازمند یافتن راه حل است.

برای ایجاد انسجام میان اقوام مختلف در روابط اجتماعی راهکارهای مختلفی وجود دارد. برخی از این راهکارها عبارتند از:

۱. تشویق و ترغیب اقوام به ارتباطات اجتماعی بین خود جهت کاهش تصورات قالب، پیشداوری و فاصله‌های نگرشی قومی؛
۲. استمرار بخشیدن و تقویت روابط بین قومی از طریق برگزاری جشنواره‌های علمی و...؛
۳. حمایت از ورزش در مناطق قوم نشین و برنامه ریزی برای دیدارهای ورزشی سراسری؛
۴. افزایش درآمد مردم مناطق قوم نشین به ویژه در نواحی مرزی جهت ایجاد رفاه مناسب از طریق ارتقای معیشت، تأمین مسکن، تأمین اجتماعی و....؛

۵. کنترل مطلوب روند مهاجرت به شهرها و جلوگیری از تبدیل مهاجران به حاشیه نشینی شهرهای بزرگ به عنوان کانونهای تنش. (صالحی امیری، ۱۳۸۵، ص ۴۲۱-۴۱۹)

۴-۲- غرور و عزت ملی: اقتدار ملی

از دیدگاه اسلام، مسلمانان با پشتوانه بینشی و اعتقادی عمیق و الهی خود و با ایمان راسخ به خداوند متعال، به عنوان تنها عامل مستقل و مطلق حاکم بر هستی، و توکل آگاهانه و عمیق به او، به کیفیتی درونی، روحی و معنوی دست می یابد که جلوه آن، همان «اعتماد به نفس» و «عزت» الهی است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

و عزت و سربلندی از آن خداست و رسولش و مومنین، ولی منافقان نمی دانند.
(منافقون(۶۳)، ۸)

این عزت نفس در بعد اجتماعی و ملی آن، حالتی را در امت اسلامی ایجاد می کند که گاهی از آن به غرور ملی و گاهی احساس اقتدار ملی نام برده می شود. این ویژگی خصوصیتی از قبیل بی اعتنایی به تحلیل، اراده و خواست بیگانگان، اعتماد به سرمایه‌های معنوی و مادی خود، ایمان ملت به راهی که انتخاب کرده و تاکنون پیموده است، عدم ترس و وحشت از تهدیدهای خارجی، عزم راسخ برای دفاع از کیان و عزت ملی خویش دارد و مولفه اصلی اقتدار معنوی حکومت اسلامی را نیز تشکیل می دهد.

قرآن کریم در آیات فراوان، با دستور اکید به مسلمانان، جامعه اسلامی را در برابر هر تعرض و هجوم بیگانه آماده می سازد، به آنان هشدار می دهد که هرگز به وعده‌های دوستی و همدلی آنان اعتنا نکنند، جامعه اسلامی را از پذیرفتن هر گونه سلطه ای از جانب بیگانگان باز می دارد و هیچ راهی را برای کافران، بر ضد مومنین باز نمی گذارد:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ
لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ
بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.

همانان که مترصد شمایند پس اگر از جانب خدا به شما فتحی برسد، می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟» و اگر برای کافران نصیبی باشد، می‌گویند: «مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از [ورود در جمع] مؤمنان باز نمی‌داشتیم؟» پس خداوند، روز قیامت میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. (نساء، ۴)، (۱۴۱)

در اسلام نگاه به قدرت از دو منظر قابل توجه است: گاه از آن به عنوان یک وسیله برای برپایی آموزه‌های دینی یاد می‌شود که تلاش در جهت نیل بدان در اسلام واجب است؛ و گاه به عنوان هدف یاد می‌شود که در اسلام پذیرفته نیست. در هر حال، نیل به قدرت در اسلام هدف میانی است در جهت نیل به اهداف غایی اسلام است و نه خود هدف غایی. (نوذری، ۱۳۸۰، ص ۱۲)

نتیجه‌گیری

یکی از سرمایه‌های بنیادین هر جامعه میزان انسجام و همبستگی ملی در آن جامعه است. انسجام و همبستگی سرمایه‌ای است که در فرایند ملت‌سازی و در جریان قرن‌ها تجارب مشترک یک ملت حاصل شده و بیانگر اعتماد گسترش یافته در مقیاس ملی است.

باید توجه داشت که مواردی چون تمایزات نژادی، طایفگی و قومی، تمایزات زبانی و فرهنگی، تمایزات جغرافیایی و محلی، تمایزات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی؛ می‌تواند به صورت عاملی برای واگرایی بر محور تفاوت‌ها و نقاط افتراق جلوه نماید. البته در صورت مدیریت صحیح، این تمایزات ذخایر مهمی از منابع تمدنی و پیشرفت برای جامعه خواهد بود.

در تحقیق حاضر، به استخراج شاخص‌های مبتنی بر تفکر سیاسی اسلام پرداخته و هر یک از شاخص‌ها را بصورت تفصیلی بررسی نمودیم. با توجه به ضرورت تبیین دیدگاه اسلام در این زمینه، در استخراج شاخص‌ها و توضیح آن‌ها از قرآن کریم، احادیث و شخصیت‌های موثر دینی استفاده شده است.

شاخص‌های استخراج شده می‌تواند در طراحی الگوی اسلامی انسجام سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.



فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن هشام، عبدالملک (۱۹۹۷)، السيرة النبوية، بيروت: داراحياء التراث العربي.
 ۲. احمدزاده، سيدمصطفی (۱۳۸۴)، «حقوق شهروندی»، مجله اندیشه، سال ۱۱، شماره ۶.
 ۳. ارجینی، حسین (۱۳۸۷)، «عوامل انحطاط و پویایی جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۲.
 ۴. بحرانی، حسین (۱۳۸۴)، تحف العقول، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامیه.
 ۵. حرّ عاملی، محمد بن الحسن (بی تا)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ۱۶.
 ۶. حق پناه، رضا (۱۳۷۷)، «جایگاه قانون و قانون گرایی در قرآن»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱.
 ۷. زاهد، سعید (۱۳۸۴)، «هویت ملی ایرانیان»، فصلنامه راهبرد، سال اول، شماره ۴.
 ۸. زبیدی، محمد مرتضی (بی تا)، تاج العروس، بيروت: المكتبة الحیاء، ج ۱۰.
 ۹. ساروخانی، باقر (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۲.
 ۱۰. شمس الدین، محمدمهدی (بی تا)، فی الاجتماع السياسي الاسلامی، بيروت: دارالثقاف.
 ۱۱. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
 ۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی تا)، تفسیر المیزان، (بی جا)، ج ۱۴.
 ۱۳. الطبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن (بی تا)، مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی، ج ۱-۲.
 ۱۴. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۰ق)، تهذیب الأحکام، بيروت: دارالتعارف، ج ۶.
 ۱۵. قرآن کریم
 ۱۶. قمری، داریوش (۱۳۸۴)، همبستگی ملی در ایران، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
 ۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۲.
 ۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۹. _____ (۱۳۶۸)، شش مقاله، تهران: انتشارات صدرا.
 ۲۰. _____ (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، قم: نشر صدرا، ج ۱۹.
 ۲۱. نوذری، عزت الله (۱۳۸۰)، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، شیراز: نوید شیراز.
 ۲۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱.
 ۲۳. وجدی، محمدفريد (۱۹۷۱)، دائرة المعارف القرن العشرين، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، ج ۱۰.
 ۲۴. همایون، محمدهادی (۱۳۸۴)، جهانگردی ارتباطی میان فرهنگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.